



تأکید بر دوگانگی میان عینیت و ذهنیت ملازم با انفعالی نگرستن به دنیای ذهن است/هم تخیلی از شناخت تا معنا سازی

تأکید بر دوگانگی میان عینیت و ذهنیت، ملازم با فردی و انفعالی نگرستن به دنیای ذهن نیز هست و گام برداشتن در مسیر برداشتن این دوگانگی و اصلاح نگرش به ذهن، غالباً از طریق یک موقعیت میانی امکان پذیر گشته است: ذهنیت جمعی و ذهنیت فعال ارتباطی.

خبرگزاری مهر - تأکید بر دوگانگی میان عینیت و ذهنیت، ملازم با فردی و انفعالی نگرستن به دنیای ذهن نیز هست و گام برداشتن در مسیر برداشتن این دوگانگی و اصلاح نگرش به ذهن، غالباً از طریق یک موقعیت میانی امکان پذیر گشته است: ذهنیت جمعی و ذهنیت فعال ارتباطی.

به گزارش خبرگزاری مهر، به همت معاونت پژوهشی و آموزشی خانه هنرمندان درسگفتار هم تخیلی: از شناخت تا معنا سازی، با تدریس دکتر احمد پاکتچی استاد دانشگاه امام صادق(ع) از 5 بهمن ماه آغاز و شنبه ها از ساعت 16 تا 20 در سالن استاد امیرخانی برگزار می شود.

دکتر پاکتچی در ارائه طرح درس در یادداشت کوتاهی نوشته است: نگرشی رایج مبتنی بر دوگانگی میان دنیای واقع و ذهن، غالباً راه بدین سو می گشاید که دنیای واقع امری است جمعی و مشترک و در مقابل دنیای ذهن امری است فردی و نامشترک. گویی واقعیات دنیای خارج است که انسان را از پندارهای شخصی جدا می کند، به او نهیب می زند و او را در موقعیت ارتباط با دیگران قرار می دهد. این در حالی است که زبان کلامی و همه نظامهای نشانه ای دیگر که ابزار ارتباط بین انسانها را فراهم می آورند، وابستگی مستقیم به دنیای واقع ندارند.

دانشهای مختلفی از روانشناسی و فلسفه گرفته تا علوم اجتماعی و علوم زبانی که درگیر بحث از رابطه میان ذهن و واقعیت شده اند، به دنبال نوعی ارزشیابی درباره رابطه میان امور ذهنی و امور واقعی به یک نظام اصطلاحی راه جسته اند، مانند این که اگر امر ذهنی صورت تجرید شده ای از امر واقعی باشد، انتزاع^[1] خوانده شود، اگر صورت ترکیب شده ای از امور بیرونی باشد، تخیل^[2] نام گیرد و اگر کاملاً برساخته و گسسته از دنیای واقعی باشد، توهم^[3] انگاشته شود. با دانش امروزی، هم دوگانگی میان دنیای عینیت و ذهنیت مورد انتقاد است و هم گسستگی میان انتزاع و توهم و تخیل. در این مطالعه، اصطلاح تخیل را در یک کاربرد گسترده برای همه این اقسام سه گانه که معتقدیم مرزی هم بین آنها وجود ندارد، به کار خواهیم برد.

تأکید بر دوگانگی میان عینیت و ذهنیت، ملازم با فردی و انفعالی نگرستن به دنیای ذهن نیز هست و گام برداشتن در مسیر برداشتن این دوگانگی و اصلاح نگرش به ذهن، غالباً از طریق یک موقعیت میانی امکان پذیر گشته است: ذهنیت جمعی و ذهنیت فعال ارتباطی. به دیگر سخن ما در دنیایی زندگی نمی کنیم که تلاش داریم آن را بشناسیم، ما در دنیایی زندگی می کنیم که به عنوان مجموعه ای از انسان ها هم می کوشیم آنرا بشناسیم و هم خود در ساختن آن مؤثر هستیم، بلکه سازنده ای جدی هستیم؛ برآیند آنچه دریافت می کنیم^[4] و آنچه می سازیم،^[5] قوام گرفتن معناهاست و همین ویژگی است که دریافت و پرداخت را به مثابه یک رابطه رفت و برگشتی در مسیر فرآیند ساخت معنا یا نشانگی^[6] مطرح می سازد. چنین نگرشی از سوی فیلسوفان معاصر، مانند علامه طباطبایی در نظریه اعتباریات، هابرماس در عقلانیت ارتباطی^[7] و کاستوریادس در نهاد تخیلی جامعه^[8] مطرح شده و معناشناسان و نشانه شناسانی مانند اوکسکول در نظریه چرخه کارکردی،^[9] وایسگربر در جهان بینی زبانی^[10] و لوتمان و اوسپنسکی در سپهر نشانه ای^[11] بدان نزدیک شده اند؛ با این حال هنوز این پازل در حیطه نشانه شناسی صورت تدوین یافته ای به خود نگرفته است.

به نظر می رسد محور اصلی یک نظریه مدون در این باره بر محور تخیل - آن هم با ویژگی جمعی - است؛ می دانیم هم برای دریافت از جهانی که در آن زندگی می کنیم و هم برای ساختن و پرداختن آن، این قوه تخیل انسان است که کارکردی محوری دارد و اکنون در یک نظریه فلسفی- نشانه شناختی می توان از یک فعالیت دو سویه شناخت- تعریف^[12] سخن گفت که بر مبنای هم تخیلی یک جامعه انسانی نهاده شده است و حاصل آن یک جهان بینی مضاف به آن جامعه است.

در این سلسله نشست ها، از سویی کوشش می شود این نظریه ذیل عنوان هم تخیلی^[13] به عنوان نظریه ای مدون ارائه شود و از سوی دیگر، دورنمایی به دست داده شود که تا اندازه ای این نظریه می تواند در تحلیل دستاوردهای فرهنگی از هنر تا روابط اجتماعی مؤثر افتد. در راستای تبیین این نظریه، نخست به خاستگاه درونداد قوه تخیل می پردازیم، یعنی دروندادی که تخیل از آنها استفاده می کند و در آن میان، بر دروندادی متمرکز می شویم که انسانها را به سوی معنای مشترک و هم تخیلی پیش می برد: همگانی های انسانی و مشترکات فرهنگی اعم از حافظه فرهنگی مشترک و همصدایی^[14] در تولید نشانه ها.

تحقق هم تخیلی مستلزم صرف انرژی است و بخش بعدی نظریه بر این مسئله متمرکز خواهد بود که میزان و نوع انرژی در هم تخیلی چه تناسبی با نوع درونداد تخیل دارد و نوع انرژی و میزان انرژی بری در گونه های مختلف خلاقیت فرهنگی چگونه تعیین می شود. در مرحله پایانی، الگویی ارائه خواهد شد که بتوان بر اساس آن نشان داد که فرهنگ ها در مسیر تولید نشانه ها و سامان دهی به خلاقیت ها، در مسیر استفاده از انرژی های ذخیره شده در حافظه یا انرژی های حاصل از فعالیت همزمان^[15] و هم افزایی^[16] چه انتخاب هایی دارند و رابطه این انتخاب ها با خصوصیات ساختاری آن فرهنگ چیست؟

ب، نه شتما:

Abstraction-^[1]

Imagination-[2]
Hallucination-[3]
Perception-[4]
Production-[5]
Semiosis -[6]
Communicative rationality-[7]
Imaginary institution of society-[8]
Funktionskreis-[9]
Sprachliche weltanschauung -[10]
Semi sphere -[11]
Cognition- definition-[12]
co-imagination - معادل پیشنهادی: [13]
Resonance -[14]
Synchronic activity -[15]
Synergy -[16]